ستون‌های تمدن

نگاهی به ریشه تاریخی زبان فارسی در تاجیکستان

زبان فارسی

الهام حیدری
نویسنده و پژوهشگر

همه ما ایرانی‌ها، تاجیکستان و مردم تاجیک را به جان و دل دوست می‌داریم چرا که با ما هم‌زبان‌اند. هم‌زبانی مقوله وسیع و پرمعنایی است. حتی اگر یک فرد چینی یا آفریقایی بر زبان فارسی مسلط باشد، اما هم‌زبانی مسأله دیگری است. هم‌زبانی، فراتر از سخن گفتن به یک زبان است. فرد هم‌زبان با ما هم‌تاریخ هم هست. هم‌سرزمین هم هست یا یک زمانی بوده است. به گفته هایدگر، زبان خانه وجود است، پس فرد هم‌زبان خانه وجودش و جهانش با ما یکی بوده است. بی‌جهت نیست که وقتی در خیابان‌ها و روستاهای تاجیکستان با پیرزنان و پیرمردان برخورد می‌کنم و هم‌صحبت می‌شوم، تو گویی با مادربزرگ و پدربزرگ خودم به سخن نشسته‌ام. آنها درد و غم‌شان را به زبان و با کلمات آشنای تو بیان می‌کنند. در ناخودآگاه جمعی این ملت، تجارب تاریخی-اجدادی مشترکی با هم‌وطنان تو ثبت شده است. وقتی لطیفه یا ضرب‌المثلی می‌گویند، آن را از عمق جان درک می‌کنی و می‌خندی. وقتی برای پذیرایی از تو دسترخوان (سفره‌ای) پهن می‌کنند، گویی در منزل خویشان و اقوام خود هستی و بر خوان اجداد خود نشسته‌ای. بله تاجیکستان را به دل دوست می‌داریم چرا که بخش‌هایی از تاریخ تمدن و یادگارهای فرهنگی خود را در این دیار می‌یابیم. چرا که محبوبان تاریخ ما محبوب تاجیک‌ها نیز هستند. فردوسی، رودکی، سعدی، حافظ و مولانا محبوب تاجیک‌ها هم هستند و خیابان‌های مهم شهرشان را به نام این شاعران پارسی آراسته‌اند. نام فرزندان‌شان نام‌های برگرفته از شاهنامه است. البته آنها نیز مانند فرزندان دور از مادر عاشق و شیفته ایران بزرگ تمدنی هستند. آنها نیز وقتی یک پارسی‌گوی ایرانی می‌بینند، چشم‌های‌شان از شادی برق می‌زند. حتی برخی وزیران و صاحب‌منصبان تاجیک در جلسات رسمی با اشتیاق می‌گویند بیایید بحث‌های رسمی و کاری را زود تمام کنیم و کمی شعر فارسی بخوانیم. در کنار تمام این جاذبه‌ها برای عاشقان زبان و ادبیات فارسی، یک چیزی اما بدجور توی ذوق می‌زند. این مسأله در این دو سال که در تاجیکستان ساکن هستم همچون کوه اندوهی بر دلم سنگینی می‌کند و آن گم شدن و پاک شدن خط فارسی از نوشتار و فرهنگ مکتوب تاجیکستان است.

نتیجه سیاست‌های زبانی اتحاد جماهیر شوروی

تغییر خط زبان تاجیکی از الفبای فارسی-عربی به الفبای سیریلیک، نتیجه مستقیم تحولات سیاسی و سیاست‌های زبانی اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی بود. پس از استقرار حکومت شوروی و تشکیل جمهوری خودمختار تاجیکستان در سال ۱۹۲۴، سیاست‌های جدیدی برای استانداردسازی زبان تاجیکی و تغییر نظام نوشتاری آن به اجرا درآمد. در نخستین مرحله، الفبای فارسی-عربی جای خود را به الفبای لاتین داد که از اواخر دهه ۱۹۲۰ رواج یافت، اما در پی تغییر رویکرد شوروی در اواخر دهه ۱۹۳۰، همزمان با تشدید سیاست‌های روسی‌سازی و تلاش برای تقویت پیوندهای سیاسی و فرهنگی جمهوری‌های آسیای مرکزی با مسکو، الفبای سیریلیک در سال‌های ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ جایگزین خط لاتین شد. این تغییر، افزون بر تسهیل آموزش زبان روسی و گسترش نفوذ آن در نظام آموزشی و اداری، به تضعیف پیوند مستقیم نسل‌های جدید تاجیک با میراث مکتوب فارسی و حوزه فرهنگی مشترک ایران و تاجیکستان انجامید؛ زیرا دسترسی به بخش بزرگی از آثار کلاسیک فارسی برای خوانندگان تاجیک دشوارتر شد. بدین‌ترتیب، تغییر خط در تاجیکستان صرفاً اصلاحی نوشتاری نبود، بلکه بخشی از فرآیند بازتعریف هویت زبانی و فرهنگی این سرزمین در چارچوب سیاست‌های ملیت‌محور و سپس روسی‌گرایانه شوروی به شمار می‌رفت.

ابوالقاسم لاهوتی در بخشی از شعر خود با نام «قصر تمدن»، از کاخی کهنه و قدیمی و فراموش شده یاد می‌کند که در آن، کهنه کتاب‌هایی با خطوط زر نوشته به زبان فارسی وجود دارد:

برجی قدیم و کهنه و پوسیده و بلند
ارکان آن شکسته و از هم گسیخته
هرگوشه قطعه‌قطعه ستون‌های ارجمند
از جای خود برآمده، بر خاک ریخته
در سرستون و سردر و ایوان و سقف آن
با خط زر نوشته هزاران کتیبه‌ها
اما سیاه گشته و یکسر شده نهان
در زیر دود آن همه آثار پربها
ها! یک کتاب کهنه...!

بخوانیم از این کتاب،
شاید شود پدید که این خانه ملک کیست؟
پوسیده است...
بلکه بود چشم من به خواب...
این خط... بدون شبهه، بله، خط فارسی ست

با وجود این، اخیراً اخبار خوب و امیدبخشی از اهتمام رئیس جمهور این کشور، امامعلی رحمان بر بازشناسی هویت فرهنگی-تمدنی خود به دست می‌رسد. بنا بر اخبار و مطالب منتشر شده در رسانه‌های تاجیکستان، امامعلی رحمان، رئیس جمهور این کشور، در جلسه دولت تاجیکستان در ۲۸ مه ۲۰۲۶، بر ضرورت ارتقای کیفیت آموزش «الفبای نیاکان» (خط فارسی) در مؤسسات آموزشی تأکید کرده و خواستار اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه، در چارچوب مطالعه و ترویج تاریخ و فرهنگ آریایی شده است. این رویکرد در سخنان وی در همایش علمی انجمن جهانی تاجیکان و فارسی‌زبانان «پیوند» در سپتامبر ۲۰۲۶ نیز مورد تأکید قرار گرفت. همزمان، طرح تأسیس «کانون تمدن آریایی» و «مرکز بین‌المللی نوروز» که در پیام رئیس جمهور تاجیکستان به مجلس عالی در دسامبر ۲۰۲۵ مطرح شده بود، بیانگر توجه فزاینده این کشور به سازماندهی و بازشناسی میراث تاریخی و تمدنی خود است. مجموعه این اقدامات را می‌توان نشانه‌ای از اهمیت روزافزون زبان، خط و میراث مکتوب در سیاست فرهنگی تاجیکستان و تلاشی برای تقویت پیوند نسل جدید با ذخایر تاریخی و ادبی نیاکان دانست.

صدرالدین عینی از مدافعان اصلاح خط فارسی-عربی و گذار به الفبای لاتین بود، اما این موضع را نباید به معنای حمایت او از تغییر بعدی خط به سیریلیک دانست. بر اساس منابع پژوهشی، نقش او در این فرآیند را می‌توان در دو محور اصلاح زبان ادبی تاجیکی و مشارکت در مناقشات مربوط به خط و هویت زبانی بررسی کرد. صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴)، نویسنده، اندیشمند و از بنیانگذاران ادبیات نوین تاجیک، در تحولات زبانی و نوشتاری تاجیکستان طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ نقشی تأثیرگذار داشت. او در شرایطی که حکومت شوروی در پی ایجاد نظام آموزشی و ادبی جدیدی در آسیای مرکزی بود، از اصلاح خط فارسی-عربی و جایگزینی آن با الفبای لاتین دفاع می‌کرد؛ خطی که از دیدگاه او، فراگیری خواندن و نوشتن را برای توده مردم آسان‌تر می‌ساخت. عینی در مقالات و مباحثات مربوط به زبان ادبی تاجیکی، به‌ویژه نوشته‌های منتشر شده در نشریات آن دوره، بر ضرورت ساده‌سازی زبان نوشتاری و گسترش آموزش تأکید داشت. با این حال، موضع او صرفاً به تغییر الفبا محدود نمی‌شد؛ وی همزمان بر ضرورت حفظ میراث ادبی فارسی و پرهیز از حذف مصنوعی واژگان عربی‌ای که در زبان تاجیکی ریشه دوانده بودند، پافشاری می‌کرد. دیدگاه‌های عینی درباره این مسائل را می‌توان در نوشته‌های او درباره زبان تاجیکی، از جمله اثر «مسائل زبان تاجیکی» و نیز در مشارکتش در مباحث زبان‌شناختی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ پی گرفت. او از یک سو خواهان زبانی ادبی، قابل فهم و متناسب با نیازهای جامعه جدید بود و از سوی دیگر، نسبت به گسستن این زبان از سنت ادبی و فرهنگی پیشین هشدار می‌داد. از این رو، نقش عینی در اصلاح خط و زبان را باید در بستر پیچیده سیاست‌های ملی و فرهنگی شوروی تحلیل کرد: او در مرحله گذار از خط فارسی-عربی به لاتین، از اصلاح نوشتار حمایت کرد، اما تغییر بعدی خط به سیریلیک در سال‌های ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ را نمی‌توان بدون شواهد تاریخی مشخص، به‌عنوان انتخاب یا خواست شخصی او معرفی کرد.



بنا بر اخبار و مطالب منتشر شده در رسانه‌های تاجیکستان، امامعلی رحمان، رئیس جمهور این کشور، در جلسه دولت تاجیکستان در ۲۸ مه ۲۰۲۶، بر ضرورت ارتقای کیفیت آموزش «الفبای نیاکان» (خط فارسی) در مؤسسات آموزشی تأکید کرده و خواستار اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه، در چارچوب مطالعه و ترویج تاریخ و فرهنگ آریایی شده است

در یکی از نامه‌های ابوالقاسم لاهوتی به صدرالدین عینی (نامه ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۶) درباره واژه «جنگره» (به معنی جنگ‌گر، جنگ‌کننده) و ادعای برخی ایرانیان مبنی بر اینکه این واژه مختص زبان تاجیکی است و به فارسی ایران ارتباطی ندارد، بحث می‌کند.



آرامگاه رودکی به‌دنبال کشفیات صدرالدین عینی در نیمه اول قرن بیستم و از روی شواهد مندرج در تذکره‌ها و تواریخ نوشته شده از سمرقند پس از مدتی گمگشتگی شناسایی شد. در پی آن بقعه‌ای شبیه آرامگاه عطار بر بالای مزارش ساخته شد که در روستای بنج‌رودک در نزدیکی شهر پنجکنت و ۱۷۰ کیلومتری شمال شهر دوشنبه قرار دارد

او پس از بررسی ساخت واژه و کاربرد ریشه «جنگ» و مشتقات آن، نتیجه می‌گیرد که این واژه به مجموعه زبان فارسی تعلق دارد. در پایان استدلال خود می‌نویسد: «از خانواده زبان فارسی بیرون انداختن چنین کلماتی، دانسته یا ندانسته، تنگ کردن زبان خود است.»

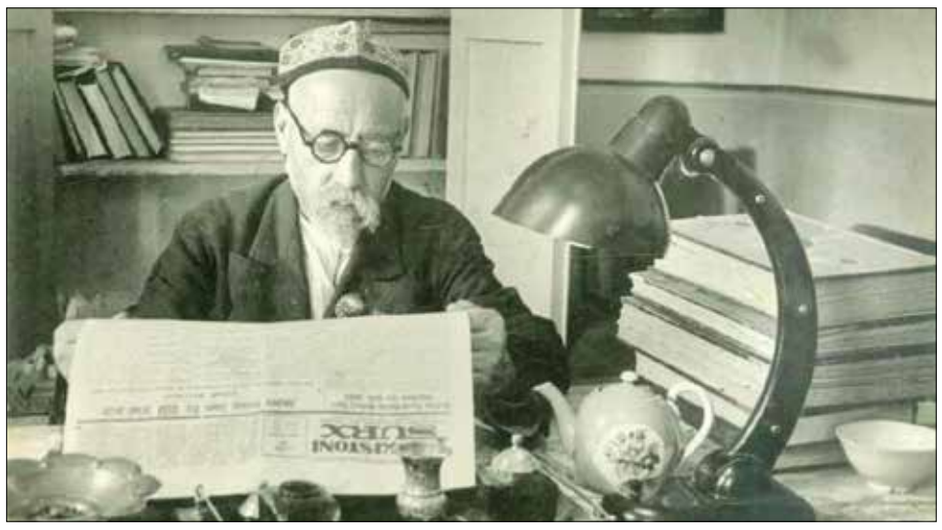
فرصتی برای برنامه‌های مشترک

زبان فارسی-تاجیکی، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین عناصر پیوند تاریخی و فرهنگی ایران و تاجیکستان، ظرفیتی فراتر از میراث ادبی مشترک و عاملی مؤثر در گسترش همکاری‌های علمی، فرهنگی، رسانه‌ای و حتی اقتصادی دو کشور به شمار می‌رود. اشتراکات زبانی و تمدنی، دسترسی به گنجینه‌ای گسترده از متون کلاسیک، امکان تبادل مستقیم دانش و تجربه و نزدیکی سنت‌های ادبی و فکری، زمینه مناسبی برای تعمیق روابط دوجانبه فراهم می‌کند. در این میان، توجه دولت تاجیکستان به آموزش خط فارسی و بازشناسی میراث مکتوب نیاکان، فرصتی ارزشمند برای توسعه همکاری‌های هدفمند میان دو کشور ایجاد کرده است؛ فرصتی که بهره‌گیری مؤثر از آن مستلزم طراحی برنامه‌های مشترک آموزشی و دانشگاهی، تربیت مدرسان خط فارسی، تولید محتوای دیجیتال و منابع علمی مشترک، گسترش همکاری میان مراکز فرهنگی و رسانه‌ای و تسهیل ارتباط میان نخبگان و فعالان اقتصادی دو کشور است. از این منظر، تقویت پیوندهای زبانی ایران و تاجیکستان را باید نه صرفاً اقدامی برای پاسداشت گذشته، بلکه سرمایه‌گذاری فرهنگی و راهبردی برای توسعه روابط پایدار و آینده‌محور میان دو کشور تلقی کرد. حفظ و گسترش زبان فارسی به مثابه حفظ و توسعه ستون‌های قصر تمدنی ماست.

زبان فارسی برای تاجیکان تنها زبان گفت‌وگو نیست؛ زبان خاطره‌ها، روایت‌ها و میراثی است که در گذر سده‌ها، جان و جهان فرهنگی این مردم را شکل داده است. از رودکی، پدر شعر فارسی، تا فردوسی، سعدی و حافظ، گویی رشته‌ای از کلمات و معناها نسل‌های پی‌درپی را به یکدیگر پیوند داده و بخشی از هویت تاریخی این سرزمین را در قالب شعر و ادب به یادگار گذاشته است. با این حال، میان این میراث زنده و نسل امروز، گاه فاصله‌ای به چشم می‌خورد؛ فاصله‌ای نه در زبان و احساس، بلکه در خطی که این گنجینه به آن نوشته شده است. چه شایسته است که تاجیکان، در کنار پاسداشت خط سیریلیک و تجربه تاریخی و فرهنگی خود، فرصت بیشتری برای آموختن خط فارسی و خواندن آثار بزرگان ادب به خط اصلی آنها بیابند. هنگامی که شعر فردوسی یا غزل سعدی از حافظه مردم خوانده می‌شود، اما خواندن همان اثر در صورت مکتوب و اصیلش نیازمند آشنایی با خطی دیگر است، گویی بخشی از راه رسیدن به سرچشمه‌های این میراث ناهموار مانده است. آشنایی دوباره با خط فارسی می‌تواند این فاصله را کمتر کند و راهی بگشاید تا نسل‌های امروز و فردای تاجیکستان، بی‌واسطه با جهان اندیشه، خیال و حکمت نیاکان خود دیدار کنند. حفظ این پیوند، صرفاً بازگشت به گذشته نیست؛ پاسداشت چراغی است که می‌تواند راه شناخت خویشتن را در آینده نیز روشن نگه دارد. زبان فارسی، افزون بر آنکه خانه مشترک شعر و اندیشه است، می‌تواند پلی استوار میان ملت‌هایی باشد که در پهنه تاریخ، خاطره‌ها و روایت‌های بسیاری را با یکدیگر قسمت کرده‌اند. این زبان، در کنار میراث ادبی و فرهنگی خود، ظرفیتی ارزشمند برای گسترش ارتباطات علمی، آموزشی، هنری و اقتصادی میان ایران، تاجیکستان و افغانستان دارد. زبان مشترک، فهم متقابل را آسان‌تر می‌کند، فاصله‌های ذهنی را کاهش می‌دهد و زمینه را برای شناخت عمیق‌تر فرصت‌ها و توانایی‌های یکدیگر فراهم می‌آورد. در پرتو چنین شناختی، همکاری‌های فرهنگی می‌توانند به گسترش مبادلات دانشگاهی، نشر کتاب، گردشگری فرهنگی و فعالیت‌های هنری بینجامند و در ادامه، زمینه ارتباط نزدیک‌تر بازرگانان، سرمایه‌گذاران و نهادهای اقتصادی را نیز فراهم سازند. از این منظر، زبان نه فقط میراثی برای ستایش در کتاب‌ها، بلکه سرمایه‌ای زنده برای ساختن آینده است؛ سرمایه‌ای که هر چه بیشتر در آموزش، گفت‌وگو و همکاری به کار گرفته شود، ثمرات گسترده‌تری به بار خواهد آورد. در جهانی که کشورها برای استحکام جایگاه خود و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای به دنبال پیوندهای پایدارتر هستند، اشتراکات زبانی و فرهنگی می‌توانند زمینه‌ای ارزشمند برای نزدیک‌تر شدن ملت‌ها فراهم کنند. پیوندهایی که بر پایه شناخت تاریخی، احترام متقابل و منافع مشترک شکل می‌گیرند، ظرفیت آن را دارند که از روابط مقطعی فراتر روند و به همکاری‌هایی ماندگار در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و علمی تبدیل شوند. البته زبان مشترک به‌تنهایی همه راه را نمی‌پیماید، اما می‌تواند آغازگر گفت‌وگویی باشد که در آن، اعتماد شکل می‌گیرد، شناخت گسترش می‌یابد و افق‌های تازه‌ای پیش روی همکاری‌های منطقه‌ای گشوده می‌شود. برای کشورهای فارسی‌زبان، پاسداشت این میراث مشترک فرصتی است تا سرمایه‌ای برخاسته از تاریخ و فرهنگ را با نیازهای امروز پیوند دهند و آن را در خدمت توسعه و همگرایی قرار دهند. شاید راز ماندگاری زبان فارسی نیز در همین توانایی نهفته باشد: اینکه در عین حمل خاطره قرن‌ها، همچنان می‌تواند زبان گفت‌وگو درباره فردا باشد؛ زبانی که ملت‌ها را نه‌تنها به گذشته‌ای مشترک، بلکه به امکان ساختن آینده‌ای نزدیک‌تر و پربارتر پیوند می‌دهد.

قصه انقلابی تاجیکی

آدینه صدرالدین عینی منبعی دست اول برای مطالعات مردم‌شناسی آسیای مرکزی است



«آدینه» واقعه‌های انقلابی را در بخارا و قِسماً ترکستان سابق به ما نشان می‌دهد. بنابراین «آدینه» برای مطبوعات نو و انقلابی تاجیک یک اثر پرقیمت و مهمی است

مرور

صدرالدین عینی (۱۸۷۸-۱۹۵۴) از بزرگ‌ترین نویسندگان، تاریخ‌نویسان، شاعران و زبان‌شناسان فارسی‌گوی آسیای مرکزی است که آثارش نقشی ارزنده در تحولات فرهنگی و ادبی ورارود (ماوراءالنهر) در سده بیستم داشته است. رمان «آدینه» عینی نخستین رمان انقلابی در ادبیات معاصر تاجیکستان، رنجنامه مردمی است که عمری را در سایه استبداد با فقر و فلاکت و جهل سر کردند و عاقبت ناکام و نامراد با جسم و جان مجروح تن به خاک سپردند. انتشارات جهان کتاب، این کتاب را به‌کوشش محسن فرح‌بَر منتشر کرده است.

در راه خودشناسی تاریخی و معنوی

صدرالدین عینی، نامورترین چهره و در واقع بنیان‌گذار ادبیات و فرهنگ نوین تاجیکستان، از جمله کسانی است که میان ادبیات پیش و پس از انقلاب اکتبر پیوند ایجاد کرده است. به دلیل اهمیت صدرالدین عینی در تاریخ و فرهنگ تاجیک او را به نام «استاد» و «پدر ملت» می‌خوانند. عینی به همراه ابوالقاسم لاهوتی، شیرین‌شاه شاه‌تیمور، باباخان غفورأف و دیگر چهره‌ها برای حفظ و گسترش زبان و ادب فارسی و در راه خودشناسی تاریخی و معنوی و احیای خودآگاهی و هویت ملی تاجیکان ورارود، پس از استیلای روس‌ها در منطقه، کوشش‌ها کرد. محمدجان شکوری بخارایی درباره جایگاه صدرالدین عینی می‌نویسد: «از اوایل دهه سی‌ام تا اواخر دهه شصتم (سده ۲۰ میلادی)، در تاجیکستان فقط سه نفر را به نام «استاد» نام می‌بردند که یکی استاد رودکی، دیگری استاد عینی و سومی استاد لاهوتی بود. این عالی‌ترین درجه بزرگداشت در دوران تشکل خودشناسی تاریخی و خودآگاهی ملی تاجیکان ورارود است. رودکی چون بنیان‌گذار ادبیات جهانشمول فارسی از عهد آل سامان [بود] سزاوار این عنوان شده بود؛ از هم‌زمانان، صدرالدین عینی با آن دانش بی‌حد و جانبازی‌هایی که در راه ملت کرد؛ ابوالقاسم لاهوتی به سبب محبوبیت همگانی که داشت و شعرش را در دوردست‌ترین گوشه‌های ورارود، هر جایی که تاجیکی باشد، می‌خواندند و می‌سرودند؛ [از این رو] در نظر مردم به درجه استاد ملت رسیده بودند.» و در ادامه در وصف عینی می‌نویسد: «تاجیکانِ ماوراءالنهر در تاریخ خود مردان بزرگ کم ندیده‌اند، ولی به گمان ما در عصر نوین، در سده نوزدهم و بیستم (میلادی)، دو مرد بزرگ تاریخ‌ساز به میدان آورده‌اند که در راه خودشناسی تاریخی و معنوی، در جست‌وجوی راه احیای ملی سروری نموده‌اند؛ یکی از اینها احمد دانش و دیگری صدرالدین عینی است.»

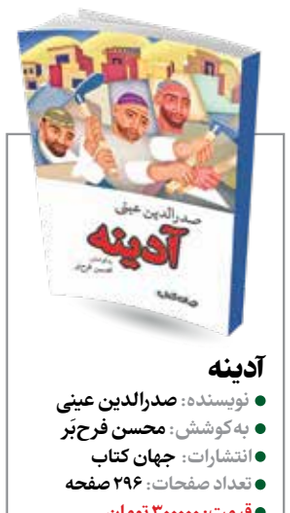
صدرالدین عینی نیمی از عمرش را در عصر تحجر امیرسالاری بخارا پشت سر گذاشت و در نیمه دوم حیات خود برای رهایی از عقب‌ماندگی فرهنگی و اقتصادی تلاش‌های بسیاری انجام داد. عینی در سال ۱۹۱۸ مرثیه‌ای در سوگ برادر مقتول خود سرود که از مهم‌ترین اشعار تاجیک به شمار می‌آید. او که از تاریخ و فرهنگ تاجیکی و دانش‌های زمانه آگاه بود، خود را پیرو ماکسیم گورکی و علاقه‌مند به شیوه او معرفی می‌کرد. نگاه ویژه عینی در بیشتر آثارش با تعریف خاص «سوسیالیسم روسی» معنا می‌یابد. «آدینه» او منبع دست اول برای مطالعات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی آسیای مرکزی است. «آدینه» به‌ویژه رنج‌نامه زنان و دخترانی است که در جامعه آن روز به‌حساب نمی‌آمدند و چون کالایی دست‌به‌دست می‌شدند.

محسن فرح‌بَر می‌گوید، هنگامی که سرگرم آماده‌سازی کتاب «نامه‌های ابوالقاسم لاهوتی و صدرالدین عینی» بوده، متوجه شده عینی کتاب «آدینه» را بسیار دوست داشته و در نامه ۲۴ نوامبر ۱۹۴۰ خود به لاهوتی، آن را «یکی از میوه‌های پیش‌رَس چارباغ حیات خود» خوانده است. قسمت اول داستان «آدینه» توسط پرویز ناتل خانلری سال ۱۳۲۴ در مجله «سخن» چاپ شد اما ادامه آن داستان چاپ نشد. فرح‌بر می‌گوید به دلیل چاپ نشدن ادامه داستان مذکور در ایران، تصمیم گرفته با مراجعه به دست‌نوشته‌های نویسنده و استفاده از چاپ‌های ۱۹۲۷ تا ۲۰۱۴ این اثر را تصحیح و منتشر کند.

رئالیسم سوسیالیستی

«آدینه» صدرالدین عینی که پس از یک قرن در ایران منتشر شده، به‌گفته محسن فرح‌بر تنها یک تصحیح یا ویراستاری صرف نیست و علاوه بر «پیشگفتارهای صدرالدین عینی»، دربردارنده بخش‌های دیگری چون «سرگذشت تاجیک گمبغل یا که آدینه» نوشته عبدالرئوف فطرت بخارایی (از بنیان‌گذاران ادبیات نوین تاجیکی)، «یکمین قصه انقلابی تاجیک آدینه» نوشته رحیم هاشم (از شاگردان عینی)، «صدرالدین عینی، سردفتر ادبیات جدید تاجیک» نوشته صدری سعدی (پژوهشگر و استاد دانشگاه دولتی سمرقند)، «نخستین قصه واقعی از روزگار تلخ و سنگین تاجیکان» نوشته عبدالخالق نبوی (استاد انستیتو زبان و ادبیات رودکی آکادمی ملی تاجیکستان) و «آدینه نخستین قصه دوران شوروی تاجیک» نوشته عَلَم‌خان کوچرزاده (استاد آکادمی ملی تاجیکستان) است و در انتهای کتاب هم بخش «واژگان دشوار» و «تصاویر» آمده است که به خواننده در فهم و درک بهتر کتاب کمک می‌کند.

«آدینه» رمان کوتاهی است که وضع روستاییان کوهپایه‌های شرقی بخارا و تغییراتی را که انقلاب بلشویکی در شیوه زندگی سنتی آنان پدید آورده، نشان می‌دهد. این رمان نمونه خوبی از گرایش عینی به رئالیسم سوسیالیستی در ادبیات تاجیکی است. رحیم هاشم در این خصوص می‌نویسد: «آدینه که در یکی از دِهات قازاتیگین [منطقه‌ای در تاجیکستان] زاییده و بزرگ شده بود در خدمت ارباب کمال با هزار گونه مشقت زندگی می‌کرد. تنگی گذران، ظلم و جبر ارباب کمال، وضعیت بسیار سخت و مشکل اقتصادی او را مانند دیگر هموطنان محنتکش خود به ترک وطن اصلی‌اش مجبور می‌کند... «آدینه» یک قصه انقلابی و معیشتی تاجیک است.



آدینه
- نویسنده: **صدرالدین عینی**
- به‌کوشش: **محسن فرح‌بَر**
- انتشارات: **جهان کتاب**
- تعداد صفحات: **۲۹۶ صفحه**
- قیمت: **۳۰۰۰۰۰ تومان**

«آدینه» حیاتِ رنجبر، حیاتِ مردکار تاجیک را از بسیار جهت‌ها تصویر می‌کند. «آدینه» واقعه‌های انقلابی را در بخارا و قِسماً ترکستان سابق به ما نشان می‌دهد. در «آدینه» تمام سبب و علت‌های به‌انقلاب سبب‌شده دوره بدبختی تاجیک گمبغل تصویر کرده شده است. بنابراین «آدینه» برای مطبوعات نو و انقلابی تاجیک یک اثر پرقیمت و مهمی است. سزاوار است که ما «آدینه» را یکمین قصه انقلابی تاجیک و فارس شماریم.»

عبدالخالق نبوی هم درباره فضای اجتماعی و سیاسی که صدرالدین عینی در داستان «آدینه» آن را روایت کرده، می‌نویسد: «آدینه رویدادهای گذشته تا زمان شوروی را در ابتدای سده ۲۰ دربر گرفته است و درباره بیچاره‌ترین نمایندگان مردم محنتکش تاجیک که در شرایط سخت و سنگین کوهستان قراتگین و در شهرهای وادی فرغانه با محنت زندگی پرمشقت و پرعذاب را سرکرده، عاقبت به آرزو، آمال و مراد خود نرسیده مرده‌اند، بحث می‌کند. عینی همزمان پیامی را ارائه می‌کند که زمان انقلاب‌ها سبب گردید که حتی این قشر از مردم تاجیک، هرچند در دَم مرگ‌اند، ولی به فکری رسیده‌اند که نَابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی بقا ندارد و زمان آن رسیده است که باید از بین برود.» او در ادامه به ویژگی‌های قصه «آدینه» می‌پردازد و می‌نویسد: «قصه مذکور مزیّت‌های خاص هنری دارد. در این کتاب، برای نخستین بار سیمای نمایندگان مردم عادی تاجیک به تصویر کشیده شده است. نویسنده ماهیت مسأله‌های زمان را با تصویر سرگذشت انسانِ عادی محنتکش و برخورد آنها با طبقه دارا و حکمران به میان می‌گذارد. قهرمانان قصه: آدینه، بی‌بی عایشه، گل بی‌بی، ارباب کمال، ملاخاکراه و عباد، نمایندگان طبقه‌های گوناگون مردم کوهستان تاجیکستان هستند که زندگی نابرابر دارند. آدینه به‌سبب قرض‌دار بودن پدر به ارباب کمال، گرفتار او می‌شود، تا با زحمت خود آن قرض را جبران کند ولی چنین اتفاق می‌افتد که گوسفندی را با تصادف سنگ می‌زند و ارباب کمال ارزش آن را به بالایِ قرض‌های آدینه اضافه می‌کند و وی باز بیشتر گرفتار می‌شود. این وضعیت امکان نمی‌دهد که آدینه روزگار خود و مادر کلانش بی‌بی عایشه و نامزد آینده‌اش گل بی‌بی را به سامان درآورد و زندگی آسایشته [آسوده] داشته باشد. این وضع او را مجبور می‌کند تا رو به گریز و آوارگی نهد... در این قصه صدرالدین عینی، مهم‌ترین ویژگی‌های تصویرگری واقع‌گرایانه (رئالیستی) دیده می‌شود که در ادبیات فارسی تاجیکی سابقه نداشته است.»